



احمد وفادار پهلوان ابدی ایران

احمد وفادار زاده قوچان و بزرگ شده درگز است. نوجوانی وارد کشتی جوخه می‌شود. وقتی در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ برای سربازی به مشهد می‌آید، هنوز کسی گمان نمی‌کند سرباز وظیفه احمد وفادار قرار است روزی یکی از پهلوان های معروف کشور شود اما شادوران پهلوان "ابوالقاسم سخدری" که مسئولیت ورزش لشکر را عهده‌دار بود، در سربازی او را کشف کرده و به تربیتش می‌پردازد. پهلوان به احمد فنون کشتی آزاد و فرنگی را می‌آموزد و در سال ۱۳۲۹ احمد را تشویق می‌کند تا در مسابقه های کشوری که در تهران برگزار می‌شود، شرکت کند. احمد وفادار در این دوره مسابقات با اقتدار پیروز می‌شود و بازوبند پهلوانی کشور را به بازویش می‌بندد. این پیروزی در سال بعد هم تکرار می‌شود و پهلوان احمد وفادار برای سال دوم بازوبند پهلوانی کشور را با خود به خراسان می‌آورد. در سال ۱۳۳۰ جهان پهلوان تختی که رفیق احمد وفادار هم بود، وارد رقابت پهلوانی کشور می‌شود و تصور همه این است که احمد وفادار میدان را به جهان پهلوان واگذار خواهد کرد. باقی ماجرا را از زبان پهلوانی که بازوبند پهلوانی خود را به جای تقدیم به مسئولان حکومتی به بارگاه امام رضا(ع) هدیه داد، بخوانید: "بیش از دو هزار نفر از مردم پایتخت، پهلوان تختی را با سلام و صلوات به محوطه دارالفنون (محل برگزاری مراسم پهلوانی) آوردند، تا شاید با تشویق‌های آن چنانی بتوانند به او روحیه دهند تا مرا به زمین بزند و بازوبند پهلوانی از تهران خارج نشود. من که کسی را نداشتم، پشت به جمعیت کرده و رو به سوی خراسان کردم و پس از عرض سلامی که از ته قلبم برخاست؛ گفتم: یا امام رضا(ع) ای ضامن آهو، تو راضی نشو که مغلوب این تهرانی‌ها شوم، به غیر از تو کسی را ندارم. لحظه‌ای بعد، مسابقه شروع شد و من و مرحوم تختی به هم آویختیم. شرط پیروزی در مسابقات کشتی پهلوانی، فقط ضربه فنی کردن حریف بود. در دقیقه ۲۱ بود که تختی را بر زمین زدم و پیروز شدم. قبل مسابقه با خود عهد کرده بودم در صورت پیروزی و دریافت اولین بازوبند مادام‌العمر پهلوانی کشور آن را به یگانه یاورم در این مسابقه اهدا کنم که این کار را کردم". اینگونه احمد وفادار پهلوان دائمی ایران شد. گفته می‌شود که دولتی‌ها که از اهدا نکردن بازوبند به شاه ناراحت بودند، او را راحت نگذاشتند و حتی مبلغ "حق سفره‌اش" را که امتیاز ویژه پهلوانان کشور بود، قطع کردند. پهلوان وفادار مجبور شد با رانندگی تاکسی امرار معاش کند اما کوتاه نیامد. بارها از طرف حکومت برایش پیغام فرستاده شد که سر بر آستان قدرت بساید تا همچون بسیاری دیگر از قهرمانان پست و مقام بگیرد و در مال و ثروت غوطه‌ور شود؛ اما او در پاسخ می‌گفت «من با کسی معامله کرده‌ام که ضامن و پناه بی‌کسان است و خودش دستگیرم خواهد شد و مرا به دستگیری حاکمان، نیازی نیست». چند سال بعد از این پهلوانی احمد با زهرا سلطانی ازدواج کرد و دارای ۳ فرزند دختر و ۵ فرزند پسر بوده‌است.

پهلوان وفادار در چند مسابقه بین‌المللی همراه تیم ملی کشتی بود و جزو معدود کشتی‌گیرانی است که در کشتی آزاد، کشتی فرنگی و کشتی پهلوانی صاحب مدال طلا شده. احمد وفادار کارمند راه آهن بود به همین خاطر در



مسابقات کشتی آزاد راه آهن های جهان در سال ۱۹۶۷ شرکت کرد و مقام اول را کسب کرد. احمد وفادار منش پهلوانی داشت، به کوچک و بزرگ احترام می گذاشت، برای آزادی زندانیان بدون عمد از دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۷۰ فعالیت می کرد، در خانه اش به روی افراد نیازمند و گرفتار باز بود، برای افراد بیکار شغل پیدا می کرد و ... به همین دلیل او را پهلوان احمد وفادار صدا می کنند. با اینکه دست به خیر بود و در خانه اش همیشه به روی مهمان ها باز بود، در سال های پایانی عمر شرایط اقتصادی سختی را تجربه کرد. با این وجود به گفته خانواده اش هیچ گاه گشاده دستی و مهمان نوازی را ترک نکرد. پهلوان احمد وفادار در صبح روز سه شنبه ۴ اسفندماه سال ۱۳۸۳ پس از تحمل یک دوره بیماری قلبی در بیمارستان آریا مشهد درگذشت و در حرم مطهر امام رضا(ع)، ولی نعمتی که تنها دستگیر و پناهش بود، به خاک سپرده شد.

منبع

- مشهد چهره
- روزنامه خراسان
- ویکی پدیا

